

متن پرسش

سلام علیکم استاد: وقت بخیر: ابتدا می‌خواهم شرایط الان خودم را با قلم ناچیزم برایتان به تصویر بکشم. الان حس بچه‌ای را دارم که مدام به او داریم لغت و مفاهیم جدید را آموزش می‌دهیم ولی او به معنای واقعی کلمه از درک آن‌ها و دلایل و براهین‌اش عاجز است و فقط در مقام تایید برمی‌آید. می‌خواستم دغدغه‌های ذهنی خودم که پیرامون مطالعه صحبت‌های گرانقدر شما برایم به وجود آمده را با شما در میان بگذارم. به امید باز شدن راهی جدید. شما به عقل تاریخی‌ای می‌پردازید و آن را تعبیر به عقلی غیر از عقل متافیزیک و مرده می‌کنید که کمی آدم را فراتر از جایگاهی می‌برد که اکنون در آن در حال گذر کردن است. و او را به آینده و حس حضور تاریخی دعوت می‌کنید که هم شیرین است و هم رسالت تاریخی افراد را شفاف‌تر خواهد کرد. به نظرم ما از این مرحله که باید فعالیت‌های از جنس دیگری را متناسب با شرایط تاریخی حال حاضر برای خودمان ترسیم و تعریف و عملیاتی کنیم عبور کرده ایم اما حال سوالی که پیش می‌آید این است که چه کنیم که این مطالب فقط در عالم انتزاع به سر نبرند و با الان ما پیوند بخورند...؟! گاهی اوقات با خواندن مطالب آدم حس پذیرش متن را در وجود خودش احساس می‌کند و راستی و درستی آن را قطع به یقین باور می‌کند ولی پس از فکر درباره‌ی آن به آدم حس علوم ماورایی و دور از ذهن بودن دست می‌دهد. به گونه‌ای که شاید نتوان برای هرکسی بازگو کرد. اما این عقلی که باید متناسب با زمانه ما باشد و به قول امام صادق (علیه السلام) به شناخت زمانه ما کمک کند چه طور می‌خواهد قلب ما را در بگیرد؟! چگونه می‌توان به این دست پیدا کرد که کاری که فعلاً در حال انجام آن هستیم همان کاری است که حضور تاریخی ما آن را می‌طلبد! و در جواب یکی از پرسشگران بیان کرده بودید که شما فقط با قلب خود را آماده کنید تا انقلاب اسلامی شما را در بگیرد، این موضوع چگونه محقق خواهد شد؟! چگونه می‌توان با این عقل به کارآمد نبودن آینده‌ی دنیای توسعه یافته برای حال خودمان رسید؟ نمی‌دانم چرا به دنبال پاسخ روشنی برای این موضوعات می‌گردم با اینکه می‌دانم اینها همه معارفی هستند که باید تدریجاً متناسب با ظرفیت هر شخصی بر دل و جانش وارد شوند. ولی خود این ایجاد ظرفیت هم جای سوال دارد. از توجه شما نهایت تشکر را دارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: دقیقاً آن احساسی که در خود دارید نحوه‌ای از عبور تاریخی است. عبور از تاریخ متافیزیک. ولی این‌طور نیست که سیطره‌ی روح متافیزیکی به راحتی عقب‌نشینی کند، بلکه دائم

می‌خواهد موضوعات را در حیطه‌ی خود بشناسد و از این جهت است که شما می‌مانید چگونه حس تاریخی یا کشف تاریخی را دنبال کنید زیرا آن عقل، یعنی عقل متافیزیک باز به میان می‌آید و می‌خواهد در حیطه‌ی خودش مطلب را جستجو کند و ما باید هوشیار باشیم که این‌جا جای خطاب «واخلع نعلیک اٹک بالواد المقدس طوی» است. یعنی باید نعلین عقل نظری و عملی را از پای جان بیرون کرد، زیرا حقیقت عریان و پیداست و در صحنه‌ی تاریخ انقلاب اسلامی به شکوفایی و گشودگی به میان آمده است به همان معنایی که ماورای این نوع عقل‌های حساب‌گر، شهید حججی را می‌فهمیم ولی در همان لحظه اگر به عقل رجوع کنیم، پیش خود می‌گوییم نمی‌فهمیم چرا نسبت به آن شهید بزرگ چنین احساسی را داریم. می‌گویی چگونه این «یافت» را به بقیه بگویم، روح بقیه آن را می‌شناسد، تنها باید متذکر شد. موفق باشید